



## بررسی تطبیقی تبعیض علیه زنان در حقوق ایران و فرانسه با نگاهی به اسناد بین‌المللی

سمیه کوه زارع<sup>۱</sup>، مجتبی انصاریان<sup>۲</sup>

۱- کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل از دانشگاه پیام نور

۲- دکترای حقوق بین‌الملل عمومی، استادیار دانشگاه پیام نور

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی تبعیض علیه زنان در حقوق ایران و فرانسه با نگاهی به اسناد بین‌المللی انجام شده است. در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شد، ضمن بررسی اسناد بین‌المللی در زمینه‌ی منع تبعیض علیه زنان، وضعیت عدم تبعیض علیه زنان در قوانین ایران و فرانسه در زمینه‌های مختلف اعم از اشتغال، تابعیت، تعیین مسکن، دادرسی قضایی و... مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد با عنایت به تحولات قانونی حقوق خانواده در حقوق ایران، می‌توان مشاهده نمود که قانون‌گذار با زیاد کردن پیامدهای ناشی از اقتدار زوج بر خانواده، برخلاف رویه حقوقی دولت‌های اروپایی و به طور ویژه کشور فرانسه، تمایل زیادی به مدل مدیریت مشارکتی در مدیریت خانواده نداشته، همچنین به تبعیت از برداشت‌های معمول از برخی متون اسلامی در مسیر محکم نمودن مدل ریاستی مدیریت خانواده قدم نهاده است. در این راستا تغییر قوانین داخلی و الحاق ایران به کنوانسیون منع هرگونه تبعیض علیه زنان، می‌تواند وضعیت برابری حقوق بین زن و مرد، می‌تواند فاصله‌ی وضعیت موجود را با معیارهای بین‌المللی کاهش دهد.

**واژگان کلیدی:** تبعیض، تساوی حقوق، قانون مدنی فرانسه، کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان



## ۱ - مقدمه

اندیشه‌ی مرکزی حقوق بشر، کرامت ذاتی انسان است و برابری انسان‌ها نیز از کرامت ذاتی مایه می‌گیرد. آن چیزی که در فعالیت‌ها و اسناد بین‌المللی به منظور پشتیبانی از حقوق زنان دیده می‌شود، تأکید و فراگیری مفهوم «تساوی جنسیتی» است. در این مسیر، شورای اقتصادی-اجتماعی سازمان ملل متحد، این مفهوم را اینگونه تعریف می‌کند: «نکته‌ی اساسی در حوزه‌ی جنسیتی، فرایندی از کوشش‌ها است جهت هر نوع فعالیت و برنامه‌ریزی برابر جهت زنان و مردان در حوزه‌ی قانونگذاری، سیاست‌ها و برنامه‌ها، در هر سطح» (توحیدی، ۱۳۹۱). این مفهومی راهبردی است بدین منظور که در حوزه‌ی تجربه، طراحی، اجرا، نظارت و ارزیابی برنامه‌ها زنان مانند مردان در نظر گرفته شوند و در آخر در تمامی محدوده‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، زنان و مردان از موقعیتی مساوی و مشابه استفاده نمایند، مگر آنکه یک تفاوت ساختاری سبب رفتار متفاوتی شود (سازمان ملل متحد<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷). صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، تساوی جنسیتی را اینگونه بیان می‌کند: «تساوی جنسیتی به معنای استفاده زنان و مردان و دختران و پسران از حقوق، منابع، فرصت‌ها و حمایت‌های برابر می‌باشد» (یونیسف<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱)، همچنین صندوق جمعیت ملل متحد اعلام نموده است که زنان و مردان حقوق مساوی دارند (یونفا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸). در استحکام این مطلب در حوزه منطقه‌ای، اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۰، اقدام به گشودن مؤسسه‌ی اروپایی تساوی جنسیتی<sup>۴</sup> (EIGE) در ویلنیوس کشور لیتوانی نمود تا با تبعیض جنسیتی مقابله نماید. همچنین در اغلب دولت‌های اروپایی مانند انگلستان، موضوع تساوی جنسیتی به منزله برنامه ملی در نظر گرفته شد. غیر از تعاریف فوق الذکر، اسناد، اعلامیه‌ها و معاهدات دیگر نیز به مفهوم تساوی جنسیتی به تناسب وضع، پرداخته‌اند و به عنوان محور بررسی و اقدام مورد نظر قرار گرفتند؛ به عنوان مثال در گزارش پایانی سال ۲۰۱۲ برنامه‌ی جهانی غذا و گزارش شورای اقتصادی - اجتماعی<sup>۵</sup> به مجمع عمومی به حوزه‌های گوناگون ضمانت این موضوع در سیاست‌های کاری کشورها مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

در آخرین گزارش سال ۲۰۱۷ مجمع جهانی اقتصاد با موضوع شکاف جنسیتی به عنوان شاخصی از نابرابری؛ رتبه ایران در میان ۱۴۴ کشور در شاخص اقتصاد برابر با ۱۴۰، در زمینه آموزش ۱۰۰، در سلامت و بقا ۱۳۵ و در مشارکت سیاسی زنان ۱۳۶ بوده است که تمام این‌ها نشان دهنده‌ی نامناسب بودن وضعیت ایران در این زمینه می‌باشد (خبرگزاری دانشجویان ایران<sup>۶</sup>، ۱۴۰۰/۰۵/۱۲).

<sup>1</sup> United Nations

<sup>2</sup> UNICEF.

<sup>3</sup> UNFPA.

<sup>4</sup> European Institute for Gender Equality.

<sup>5</sup> www.tui.orgga/search

<sup>6</sup> https://www.isna.ir/news/1400051107833/



علی‌رغم تمامی کوشش‌ها و پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینه‌ی برابری جنسیتی و رفع تبعیض علیه زنان، به نظر می‌رسد، هنوز هم این مفهوم به طور عملیاتی مورد توجه جامعه بین‌الملل قرار نگرفته است و این موضوع در کشورهای جهان سوم، دارای ابهام بیشتری است، لذا این پژوهش در نظر دارد، با توجه به شاخص‌های تعریف شده در اسناد بین‌المللی و همچنین اسناد کشور فرانسه - به عنوان یکی از کشورهای پیشرو در زمینه‌ی عدم تبعیض علیه زنان -، میزان انطباق این شاخص‌ها را با استانداردهای نظام حقوقی ایران، ضمن شناسایی وضعیت موجود مورد مقایسه قرار دهد.

## ۲- مفهوم تبعیض جنسیتی علیه زنان

اثرات تبعیض جنسیتی خودش را به اشکال مختلفی نظیر آزار جنسی و یا خشونت جنسی در جامعه نشان می‌دهد. تبعیض جنسیتی به معنای اعمال و رفتار، پیش‌داوری‌ها و رویکردهایی می‌باشد که زنان را فرودست‌تر و یا با ارزش کم‌تر از مردان نشان دهد و معتقد باشند که باید مردان بر زنان مسلط باشند.

آن چیزی که در فعالیت‌ها و اسناد بین‌المللی جهت حمایت از حقوق زنان دیده می‌شود، پیگیری مفهوم «تساوی جنسیتی»<sup>۷</sup> می‌باشد. همان‌گونه که بیان شد شورای اقتصادی-اجتماعی سازمان ملل متحد، تساوی جنسیتی را تعریف و توصیف می‌نماید. اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۸</sup> از نخستین اسنادی می‌باشد که موضوع حمایت از حقوق زنان و خانواده و تساوی جنسیتی را مورد بررسی قرار داده است<sup>۹</sup> و در آن شش بار واژه «خانواده» ذکر شده و ماده‌ی ۱۶ این اعلامیه بیان می‌دارد که تمام زنان و مردان بالغ، بدون هیچ‌گونه محدودیتی به دلیل نژاد، مذهب و یا تابعیت، این حق را دارند با یکدیگر ازدواج نمایند و خانواده تشکیل دهند.

در توضیح دلیل تدوین کنوانسیون «محو کلیه‌ی اشکال تبعیض علیه زنان» باید این نکته را مطرح نمود که، گرچه موضوع تساوی زن و مرد و رفع تبعیض میان آن‌ها جهت برخورداری از حقوق سیاسی و اجتماعی در تمام اسناد حقوق بشری سازمان ملل و... مورد تأکید قرار گرفته است، ولیکن حقیقت این است که تصویب این اسناد بین‌المللی به منظور تأمین حقوق برابر زنان و از بین بردن هر نوع تبعیض علیه زنان کافی نبوده است؛ بنابراین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۷ نوامبر سال ۱۹۹۷ «اعلامیه‌ی رفع تبعیض علیه زنان» تصویب کرد.

<sup>7</sup> Gender Equality, Sex Equality or Sexual Equality or Equality of the Genders.

<sup>8</sup> Adopted by UN General Assembly Resolution 217A (III) of 10 December 1948.

<sup>9</sup> البته می‌توان به اقدامات اولیه‌ی دیگر سازمان ملل نیز اشاره نمود که کنوانسیون بین‌المللی مورخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۲۱ «موقوف سازی دادوستد زنان و کودکان» توسط پروتکلی که مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۰ اکتبر ۱۹۴۷ پذیرفت، اصلاح شد و کنوانسیون بین‌المللی مورخ ۱۱ اکتبر ۱۹۳۳ «موقوف سازی دادوستد زنان» توسط پروتکل مذکور اصلاح شد.



با عنایت به کلیت و محتوای کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان می توان بیان نمود که تمرکز داشتن این کنوانسیون فقط به مسئولیت پذیری و تعهد سنتی کشورها در زدودن تبعیض های قانونی و عرفی در خصوص زنان نمی باشد، بلکه با تکیه بر کنوانسیون کشورها مکلفند فعالیت های لازم را به منظور تشویق و ترویج آن انجام دهند و در این فرایند، ضرورت دارد تا نگرش سنتی و کلیشه ای معمول در خصوص وظایف و نقش زن و مرد در خانواده را از میان ببرند (هریس و هدر<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۵).

جدای از این فعالیت ها، در سال ۱۹۸۲ به منظور دستیابی تساوی حقوق زن و مرد بر طبق محتوای موجود در ماده ی ۱۷ کنوانسیون، جهت کنترل اجرای مفاد کنوانسیون، کمیته ی محو همه ی اشکال تبعیض<sup>۱۱</sup> ایجاد شد. کارکرد این کمیته کنترل گزارش دوره ای کشورهای عضو به منظور اجرای مفاد کنوانسیون می باشد، ضمن آنکه برای خود کشورها هم این امکان فراهم است که در هر زمان از کشور عضو، ارائه ی گزارش را درخواست نمایند.

به منظور اجرا و بومی سازی قوانین حقوق بشری زنان در عرصه ملی هم برخی کشورها - مانند بلژیک، کلمبیا، کرواسی، یونان، گینه، لوکزامبورگ و صربستان - به تقنین و اصلاح قواعد ملی اقدام کرده اند. فرانسه هم در اصلاح قانون سال ۱۹۹۹، احزاب را مکلف نمود که حداقل ۵۰٪ نامزدهایشان زن باشند و در غیر این صورت، محکوم به مجازات نقدی می شوند (جانن<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۹: ۱).

نظام حقوقی ایران به پیروی از نگرش معمول اندیشمندان فقه اسلامی، برای مرد در برابر زن در خانواده، اقتدار خاصی در نظر است، این رویکرد، قوانین ایران را به قبول آثار مورد نظر بر تفکر مردسالاری در خانواده هدایت کرده و موجب شده است که در حوزه های اشتغال زن، تعیین مسکن و اقامتگاه مشترک، خارج شدن زن از کشور و شناخت تابعیت وی، نمایان شود و به عبارت، تفوق مرد را بر زن نشان دهد.

در قوانین فرانسه از سال ۱۹۷۰، مفهوم ریاست از قانون حذف گردید و دیگر، خانواده فاقد رئیس بود و زن و مرد در یک وضعیت حقوقی یکسان قرار گرفتند.

### ۳- تعیین مسکن مشترک

#### ۳-۱- ایران:

در قانون مدنی ایران، اختیار مرد در تعیین مسکن و تحمیل اقامتگاه مرد بر زن، به مثابه حقی مستقل می باشد و به موضوع تمکین زن، وابسته نیست. لذا، می توان بیان نمود که حق تعیین مسکن از جانب مرد، از پیامدهای اعمال اقتدار مرد در خانواده می باشد

<sup>10</sup> Harris & Hadar

<sup>11</sup> The CEDAW Committee

<sup>12</sup> به وسیله ی قطعنامه ی شماره ی ۴/۵۴ مجمع عمومی در اکتبر ۱۹۹۹ با صدور پروتکل انتخابی از بین بردن تمام انواع تبعیض علیه زنان به این کمیته سپرده شد.

<sup>13</sup> Janette



(صفایی و قاسم زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۵). زن صرفاً به واسطه‌ی شرط ضمن عقد، این امکان را دارد در تعیین مسکن، ایفای نقش نماید. از نگاه رویه قضایی، حق تعیین مسکن تعبیر به حق تعیین شهر محل سکونت و تعیین منزل و منطقه سکونت شده است. (رأی شماره ۷۶۶، شعبه ششم دیوان عالی کشور؛ روشنم، ۱۳۹۶: ۱۰۹).

به توجه به ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی، زن بایستی در منزلی که شوهر تعیین می‌نماید، اقامت کند که در این حالت، به این دلیل که تعیین مسکن با مسئله سکونتگاه هم مرتبط است، در ماده ۱۰۰۵ ق، هم، مقرر شده است: «اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است» (در فرض عدم محجوریت زوج) (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۶۲).

### ۳-۲- فرانسه

قانون مدنی فرانسه در سال ۱۹۷۵، تغییری مهم در زمینه حمایت از زنان ایجاد نمود و در آن، برتری مرد از قانون حذف شد و حتی زندگی در یک منزل هم به منزله یک تعهد، از قانون حذف گردید. در قانون مدنی کنونی فرانسه، به استناد ماده ۱۰۸، مرد و زن می‌توانند سکونت‌گاه جداگانه‌ای انتخاب نمایند، در حالی که به قواعد مرتبط با تعهد همزیستی اخلاقی وارد نشود. هرگونه اختطاریه برای زن و مرد (حتی اگر جدایی جسمانی هم حاصل شده باشد)، در زمینه اهلیت افراد، بایستی به همسر یا شریک دیگر ارسال شود. فرض عدم اجرای این قاعده با تضمین اجرای بطلان مواجه خواهد شد. اگرچه ماده ۱۰۸ این ۳ نکته را به وضوح مطرح نمود، اگر این ماده در کنار ماده ۲۱۵ قانون مدنی تفسیر شود، مناسب‌تر است. چون قسمت اول ماده ۱۰۸ که به زن و شوهر حق انتخاب مسکن مستقل می‌دهد، نبایستی با تکلیف به همزیستی زوجین مغایرت داشته باشد (مالوری و فالچورین، ۲۰۱۶: ۶۶۶). در این حالت، محل اقامت خانواده مکانی است که زن و شوهر با توافق هم انتخاب کنند و هیچ کدام از زن و شوهر بدون اجازه دیگری، قادر نیست از حقوقی بهره‌مند شود که به سبب آن، توانایی تعیین و تأمین منزل خانوادگی یا اثاث آن را داشته باشد.

### ۴- تابعیت زوجه

#### ۴-۱- ایران:

با عنایت به مواد قانون مدنی، در این زمینه که تحمیل تابعیت زوج بر زن از اثرات اقتدار مرد در روابط زن و مرد است یا خیر، بین حقوقدانان اختلاف نظر مشاهده می‌شود. عده‌ای از حقوقدانان، صراحتاً این موضوع را نتیجه اقتدار مرد در روابط زناشویی می‌دانند و در تأیید آن به مفاد ماده ۹۸۶ استدلال کرده‌اند که امکان رجعت این زن را به تابعیت نخست خود پس از فوت مرد و انتفای ریاست وی و با رعایت نمودن تشریفات قانونی، تجویز نموده است (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۲۴۰). عده‌ای دیگر از آن‌ها درخصوص اثرات اقتدار مرد در روابط زن و شوهر، معتقدند که تحمیل تابعیت مرد بر زن با وجود قبول از سوی بعضی، به منزله اثر ریاست مرد، از اثرات این اقتدار به شمار نمی‌رود. در این رویکرد، اینگونه استدلال می‌شود که تابعیت مرتبط با حقوق



عمومی و از مصلحت دولت پیروی می کند؛ در حالی که اقتدار مرد در زمره حقوق خصوصی و بر مبنای مصلحت خانواده می باشد. ضمن اینکه این احتمال نیز کاملاً منطقی می باشد که مقنن، اقتدار را از مرد بگیرد، بدون اینکه نیاز باشد در مسأله تابعیت زن تجدید نظر نماید (صفایی و امامی، ۱۳۹۲: ۱۶۴).

بر اساس بند ۳ ماده ۱۸ قانون گذرنامه، در زمینه یکی از شرایط صدور گذرنامه برای زنان متأهل این چنین عنوان شده است: « زنان شوهردار اگرچه کمتر از ۱۸ سال تمام، با تأیید کتبی شوهر و در موارد ضروری، اجازه دادستان شهرستان محل درخواست گذرنامه که موظف می باشد نظرش را اعم از پذیرش درخواست یا رد نمودن، حداکثر طی سه روز اعلام کند، کفایت می کند...». نکته قابل توجه این است که مقنن با سخت گیری ویژه ای، خروج زن از کشور را منوط به اجازه کتبی مرد دانسته است که حتی این اجازه کتبی، نه به شکل عادی، بلکه به شکل رسمی و به واسطه فرم های معین و متحدالشکل در دفاتر اسناد رسمی نشان داده می شود.

#### ۲-۴- فرانسه:

نسخ تفوق مرد نسبت به زن در قانون مدنی فرانسه، به دو حالت نشان داده شد:

۱. مطیع و تابع بودن زن نسخ شد.

۲. اقتدار مرد در روابط زن و شوهری حذف شد.

با تحول افکار در اجتماع و با حذف اقتدار مرد، تحمیل تابعیت مرد بر زن، امری غیرمنطقی تلقی و در قانون ۱۹۷۲، تحمیل تابعیت مرد لغو شد (لویی ۴، ۱۹۷۲). قانون فوق، صراحتاً اعلام کرد که ازدواج هیچ اثری در تابعیت ندارد. به نظر می رسد که روش قانون گذار فرانسه در خصوص تابعیت زوجین تا اندازه ای منطقی و موجد تفاهم بیشتر در نهاد خانواده می باشد؛ چون زندگی مشترک ارتباطی با تابعیت برابر ندارد، اگرچه سکونتگاه واحد ضروری به نظر می رسد. (هاسر و هت ویلر، ۱۹۹۹: ۷۴۴).

#### ۵- منع اشتغال زوجه

##### ۱-۵- ایران:

به منظور بررسی سیر تغییرات قانونی موضوع اشتغال زن در حقوق ایران، باید به قانون اساسی، قانون مدنی، قانون حمایت خانواده و قانون کار مراجعه کرد. تا قبل از مصوب شدن اولین قوانین حمایت خانواده در ایران، از ظاهر مواد ۱۱۰۵ و ۱۱۱۷ ق.م اینگونه استنباط می شود که مرد به منزله رئیس خانواده می تواند مصلحت مذکور در ماده را تشخیص و راساً زن را از اشتغال مورد نظر منع کند و در آخر، زن با مراجعه نمودن به دادگاه، این حق برایش متصور بود منافی نبودن شغلش را اثبات

<sup>14</sup>Loi



نماید و اعمال اقتدار مرد را منتفی نماید. اما با مصوب شدن قانون حمایت خانواده موضوع تغییر یافت؛ بدین نحو که در ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده و ماده ۱۴ آیین نامه اجرایی آن، منع زن از اشتغال به شغل منافی را مشروط به صدور حکم قطعی دادگاه در خصوص اعلام منافی بودن شغل کرد؛ به صورتی که مرد تنها با ارائه چنین رأیی به کارفرما قادر بود وی را متعهد سازد تا به اشتغال زن خاتمه دهد.

با شروع انقلاب و حکمفرمایی مقررات اسلامی، قانون اساسی در اصل ۲۸، به اصل آزادی اشتغال به منزله حقی برای تمام اتباع ایران اعم از زن و مرد اشاره کرد و قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ را گسترش داده و رویکردی تقریباً برابر بین زن و مرد ایجاد نمود و تفاوتی بین اشتغال ایشان قائل نشده است، از موقع تصویب قانون اساسی با عنایت به امکان تفسیر این قانون و حکومت آن بر دیگر قوانین عادی، ضرورت مصوب شدن قانون حمایت خانواده جدید در زمینه اشتغال و تحصیل زن احساس نشد. در عمل نیز به جهت تلاقی با مصالح خانوادگی، خیلی از فعالیت‌های شغلی زنان در اجتماع منع می‌شود.<sup>۱۵</sup>

در اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۲۳) و همچنین کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض از زنان (ماده ۱۱)، حق اشتغال از جمله حقوق مسلم افراد محسوب شده و منع آن نوعی بی‌عدالتی در نظر گرفته شده است. احکام متعددی در خصوص منع اشتغال و تحصیل زن از سوی مرد، به صرف عدم رضایت مرد و با عنایت به تحولات قانونی پیش از تصویب نخستین قانون حمایت خانواده صادر شد. اما بر خلاف قبل، در این احکام، این مرد بود که باید ثابت می‌کرد، اشتغال و تحصیل زن با مصلحت خانواده مغایرت دارد. در این خصوص، نظریات مشورتی زیادی هم صادر شد؛ به عنوان نمونه، در نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه در سال ۱۳۷۶ اینگونه مطرح شد: «مطابق ماده ۱۱۱۷ ق.ه، شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی با مصالح خانوادگی با حیثیات خود با زن باشد، منع کند. بنابراین، برای استخدام یا اشتغال زن به کار، رضایت مرد شرط نیست، اما چنانچه شغل زن با مصلحت خانوادگی یا حیثیت مرد و زن منافات داشته باشد، شوهر می‌تواند پس از اثبات موضوع در دادگاه از ادامه کار همسر خود ممانعت کند. تشخیص اینکه شغل مورد بحث، یا مصلحت خانوادگی یا حیثیات هر یک از زن و شوهر منافات دارد یا نه، با دادگاه ذی صلاح است....» پس رویه قضایی ایران، امروزه بیش از قبل متمایل به صدور احکامی مبنی بر قبول اشتغال زن دارد بدین صورت که رویه قضایی در زمان فعلی، به موضوع اشتغال زن توجه ویژه‌ای دارد و اجازه نمی‌دهد که مرد به سادگی، حکم منع اشتغال زن را از دادگاه کسب کند. این نگرش در زمینه تحول حقوق زن قابل توجه می‌باشد.

<sup>۱۵</sup> لازم به ذکر است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «حق اشتغال» را بیان می‌دارد، در حالی که در ماده ۱۱۱۷ ق.م. صحبت در خصوص «منع از شغل» منافی مصالح از جانب مرد است.



## ۲-۵- فرانسه

در زمینه حق اشتغال زن در قانون مدنی کنونی فرانسه، ماده ۲۳۳ در زمینه تکالیف و حقوق زن و شوهر اعلام می‌نماید که هر یک از زن و شوهر این امکان را دارند به صورت آزاد به شغلی پرداخته، درآمد و حقوق خود را دریافت کند و پس از پرداخت هزینه‌های زندگی، باقیمانده را در اختیار بگیرد. در حقیقت، مقنن نه تنها به صراحت محجور بودن زنان را منتفی می‌داند، بلکه بر اساس ماده ۲۲۵ همان فصل از قانون اعلام می‌دارد: «هر یک از زن و شوهر می‌توانند به تنهایی، اموال شخصی‌شان را مدیریت نموده، به رهن یا وثیقه بگذارند و منتقل کنند». به این نحو، به زنان حقوقی مساوی با مردان اعطا شده و اختلاف حقوقی بین زنان و مردان، از بین رفته است (چنتت<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۹: ۲۱).

## ۶- استفاده‌ی نام خانوادگی مرد از جانب زن

### ۱-۶- ایران:

بر اساس ماده ۴۲ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵، پیش‌بینی شده است که زن می‌تواند با موافقت همسرش تا هنگامی که در قید زوجیت است، از نام خانوادگی همسرش بدون رعایت حق تقدم بهره‌گیری نماید و در صورت طلاق، ادامه بهره‌مندی از نام خانوادگی، مشروط به اجازه همسر می‌باشد، قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵، در زمینه به کارگیری مرد از نام خانوادگی زن صراحتی ندارد و بیان شده است که قانون در این زمینه، تفوقی برای مرد ایجاد نکرده است. لذا، مرد مثل افراد دیگر، چنانچه بخواهد از نام خانوادگی زن استفاده کند، باید اجازه دارنده «حق تقدم» را جلب نماید، فرقی ندارد که دارنده حق تقدم همسرش باشد یا شخص دیگر.

موضوع دیگری که اخیراً بحث‌های فراوانی از سوی برخی کارشناسان حوزه زنان و خانواده در مورد آن انجام شده است، درج نام مادر در کنار اسم پدر بر روی کارت ملی است. به نظر می‌رسد این موضوع یعنی درج نام مادران در کارت ملی افراد، به عنوان نشان گر هویت ملی مغفول مانده است، درحالی که این امر از جمله مطالبات مادران محسوب می‌شود. به همین دلیل ضرورت دارد این رویکرد ارزش‌گذارانه به نقش والدین، در صدور کارت ملی نیز پیش‌بینی شود تا نقش مادری زنان و شان آنان، مورد تکریم واقع شود. البته در چند سال اخیر برخی از مسایل حوزه زنان و خانواده بیشتر مورد توجه مسئولان کشور قرار گرفته است، به طوری که موضوعاتی همچون دیه برابر زنان و مردان، لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت، تابعیت ایرانی فرزندان با مادران ایرانی و پدران خارجی، لایحه ممنوعیت ازدواج دختران زیر ۱۳ سال، تلاش برای تصویب ماده ۱۰۱ و ۱۰۲ قانون برنامه ششم توسعه برای تحقق عدالت جنسیتی و چندین موضوع دیگر در صدر اخبار قرار گرفته است.

<sup>16</sup> Chatenet.





## ۶-۲- فرانسه

با عنایت به پیامدهای حقوقی و اجتماعی نام خانوادگی و اثر آن بر اجتماع و خانواده، مقنن فرانسه به وضع قوانینی در این زمینه پرداخته که یکی از اصلی‌ترین آنها، امکان بهره‌مندی هر یک از زوجین از نام خانوادگی یکدیگر می‌باشد. در زمینه حق بهره‌گیری از نام خانوادگی هر یک از زوجین در دوره زناشویی، با عنایت به تغییراتی که در حقوق زنان به وجود آمد، نخست این زنان بودند که امکان برایشان فراهم شد که از نام خانوادگی مردان بهره‌بگیرند. اما با عنایت به تحولات جامعه، مقنن فرانسه تصمیم گرفت تا قوانین را بر اساس نیاز زمان خود هماهنگ کند. لذا بر اساس ماده ۱-۲۲۵ قانون مدنی فرانسه، هر یک از زن و شوهر مختارند که از نام خانوادگی همسر به شکل جایگزین یا متصل به نام خانوادگی خود، با ترتیب مدنظرش، به منزله نام عرفی و معمول، بدون حق تقدم بهره‌بگیرند (هاسنر و هت و یلر، همان: ۷۳۳). ولی بعد از طلاق، بر اساس ماده ۲۶۴ قانون مدنی فرانسه، اصل بر این است که زن و شوهر دیگر قادر نباشند نام خانوادگی همسرشان را به کار بگیرند، مگر اینکه هر یک از زن و شوهر بتواند سودی خاص را برای خودشان یا فرزندانشان ثابت و توجیه کند که در این حالت می‌تواند با موافقت همسر، کماکان از نام خانوادگی‌اش استفاده نماید (مالاری و فولچیرون، همان: ۳۲۵).

## ۷- برخورد در سیستم قضایی

یکی از مسائل اساسی و مهم جامعه بین‌المللی و حقوق داخلی دولت‌ها، مسأله‌ی حفاظت و رعایت حقوق زنان و مراعات برابری حقوق زن و مرد و عدم تبعیض مطابق با جنسیت می‌باشد. ولی در عین حال، مشخصه‌ها و خصوصیات جسمانی و فیزیولوژیکی زنان سبب شده است تا نگرش قانونگذاران در خصوص زنان در جریان دادرسی‌های کیفری فرق داشته باشد. با کنترل مختصر قوانین دادرسی کیفری، سوی بعضی موارد تبعیض مثبت، در حقوق ایران و فرانسه خلأ وجود قوانین ویژه حمایتی در فرایند دادرسی برای بانوان احساس می‌شود. ولی رویکرد منفی نسبتاً زیادی نسبت به آنان در قوانین این دو کشور، محسوس نمی‌باشد و آن مقدار از موارد تبعیض که برخلاف حقوق فرانسه در دو بحث ادله اثبات جرائم و اجرای احکام کیفری در حوزه‌های حدود و قصاص در قوانین ایران مشاهده می‌گردد، به واسطه رفتارهای سیاست جنایی مدبرانه قابل رفع است. در خصوص تبعیض در شهادت زنان نسبت به مردان، در رویه قضائی ایران، استناد قضات بر نظام ادله معنوی در اثبات جرائم می‌باشد و از تحصیل شهادت شاهد یا مطلع عرفی بهره گرفته می‌شود و جنسیت و عدد در شاهد یا مطلع عرفی شرط نمی‌باشد. لذا در عمل، حس تبعیضی که میان شاهد زن یا مرد مطرح می‌باشد، موضوعیت ندارد (موذن زادگان و تدین، ۱۳۹۳: ۶۶). از طرفی در خصوص لزوم پرداخت نصف دیه از طرف اولیای دم مقتول زن به قاتل مرد که تصور تبعیض جنسیتی در ذهن ایجاد می‌شود، صرفنظر از اینکه این مسأله تنها یک استثنا یا مورد ویژه در نظام دادرسی به شمار می‌رود، با عنایت به اینکه بر اساس بخشنامه‌های صادره قوه قضائیه این موضوع از نظر اجرایی سبب اشکالات زیادی شده است، سیاست جنایی تقنینی ایران می‌تواند همان گونه که در زمینه برابری دیه اقلیت‌های دینی معرفی شده است در قانون اساسی ایران با دیه مسلمانان بر اساس



۵۵۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اقدام به رفع تبعیض در پرداخت دیه نمود، با الغای ویژگی و با توجه به به اظهار نظر تعدادی از فقها، تساوی دیه زن و مرد را نیز مورد نظر دارد.

از طرفی مقنن با توجه به قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی در برابر شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۶ بیمه گر را مکلف تا در انجام تعهداتش، خسارات وارده به زیان دیدگان را بدون در نظر گرفتن جنسیت و مذهب تا سقف تعهدات بیمه نامه پرداخت کند و مبلغ مازاد بر دیه تعیین شده از سوی محاکم قضایی را به منزله بیمه حوادث محسوب نماید.

### ۸- حقوق مالی

اسلام در چهارده قرن پیش حقوق مالی زوجه را همچون مهریه، نفقه و اجرت المثل در نظام خانواده شکل داد و زوجه را مسلط بر اموال خود کرد. بنا بر تعالیم قرآنی، هیچ کس نمی توانست این حق را از او سلب کند (هدایت نیا، ۱۳۸۵: ۲۵). اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها به یکسان در باره زوجه و زوج اعمال می شود (حکمت نیا، ۱۳۹۰: ۴۱۷). بعد از آغاز انقلاب زنان و خیزش مطالبه گرانه ایشان وضعیت کم کم بهبود یافت، به طوری که قانون شماره ۸۷۳ فرانسه که در آگوست ۲۰۱۴ به تصویب رسید بر برابری اساسی زنان و مردان تأکید می کرد (پوتر<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۴). در قوانین فرانسه قانون گذار اجرای اعمال حقوق مالی را در حوزه خانواده به توافق زوجین مشروط کرده است. شاید برابری کامل برای زوجه و زوج در خانواده منطقی نباشد ولی برابری در امکان دسترسی به منابع مالی مهم است.

### ۹- حفظ حقوق فردی و اجتماعی

یکی از نشانه های برابری و عدالت در حقوق بشر از نظر نوع برخورد با زنان و مردان، آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی که به طور طبیعی و قانونی برای مردان و زنان ایجاد شده است. در این زمینه مصادیق فراوانی وجود دارد که در این قسمت به تعدادی از این موارد اشاره می شود. نگارنده، طی سفرهای متعددی که به منظور شناسایی حقوق نادیده گرفته شده ی زنان در اقوام و نواحی مختلف ایران داشت، با پدیده هایی مواجه شد که در عصر امروزی که با پیشرفت زمینه های حقوق بشر همراه بوده است، جای تاسف دارد. از این قبیل موارد می توان به مشاهده ختنه زنان در برخی مناطق ایران اشاره نمود. به همین منظور ۶ فوریه در تقویم به نام روز جهانی مبارزه با ختنه زنان نامگذاری شده است. همچنین توجه ویژه و نگاه به مسأله بکارت دختران باعث بسیاری از مشکلات اجتماعی شده است با این همه مسأله بکارت دختران هنگام ازدواج از نظر مقنن مهم تلقی شده و مستندات قانونی دارد. به تازگی نیز



برخی با روش‌های پزشکی سعی دارند جنسیت فرزندشان را «پسر» انتخاب کنند که این امر ریشه در باورهای عصر حجری دارد.

اگرچه در حال حاضر، رفتارهای عصر حجری در ایران رو به کاهش است، ولیکن آمار نگران کننده‌ای از وجود این رفتار وجود دارد که نیاز به آگاهی بخشی، فرهنگ سازی و برخورد‌های قانونی با این موضوع دارد. از سوی دیگر موضوع‌هایی همچون آزادی و حقوق فردی از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و نویسندگان فرانسوی بوده است؛ به گونه‌ای که با آماده سازی اذهان عمومی جامعه‌ی فرانسه، تحولاتی چون انقلاب ۱۷۸۹ و ارتقای حقوق شهروندی در این کشور رقم خورد. حقوق بشر که از آن به عنوان عالی‌ترین هنجار حقوقی یاد می‌کنند، در مرتبه‌ی بالاتری از اهمیت حتی نسبت به حقوق موضوعه و نیز حقوق شخصی قرار دارد. این حقوق بر مبنای احترام به نفس و سرشت انسان‌ها استوار است که این احترام نه قابل انتقال و نه قابل واگذاری و چشم پوشی است. در این میان حقوق شهروندی به عنوان بخش مهم از حقوق بشر است که در قوانین اساسی کشورهای مختلف از جمله فرانسه مورد توجه قرار گرفته است و در زمینه‌ی رعایت حقوق فردی و اجتماعی زنان از کشورهای پیش‌تاز محسوب می‌شود.

#### ۱۰- فرصت‌ها و تهدیدهای الحاق ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

همانگونه که قبلاً عنوان شد کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان یک معاهده بین‌المللی است که در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ (۲۷ آذر ۱۳۵۸) «قطعنامه شماره ۳۴/۱۸۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد» مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت. تاکنون تنها چهار کشور ایران، سومالی، سودان و تونگا به این کنوانسیون ملحق نشده‌اند. عبارت «تبعیض علیه زنان» در این کنوانسیون به هرگونه تمایز، استثناء (محرومیت) یا محدودیت بر اساس جنسیت که نتیجه با هدف آن خدشه دار کردن یا لغو شناسایی، بهره‌مندی، یا اعمال حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر توسط زنان صرف نظر از وضعیت زناشویی ایشان و بر اساس تساوی میان زنان و مردان، اطلاق می‌گردد. کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان که مشتمل بر یک مقدمه و سی ماده است در ماده اول آن مقصود از عبارت «محو تبعیض علیه زنان» محو هرگونه تمایز، استثناء و محدودیت بر اساس جنسیت است. مواد دوم تا شانزدهم آن نیز بر تساوی زنان و مردان در تمامی زمینه‌ها تاکید کرده است. تاکنون تعداد زیادی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد، این کنوانسیون را پذیرفته‌اند. لازم به ذکر است که برخی از مواد این کنوانسیون با احکام اسلامی، ارزشهای اخلاقی و قوانین کشورهای مختلف مغایرت دارد.



## ۱۰۰- آثار عضویت در این کنوانسیون

روح کلی حاکم بر این معاهده، تساوی از جمیع جهات بین زن و مرد است و هر گونه تمایز و استثنا و محدودیت بر اساس جنسیت بین زن و مرد را نفی می کند و قوانین مدنی و کیفری حتی قانون اساسی را که مغایر با معاهده باشد، مورد پرسش قرار می دهد و بر تغییر و اصلاح کلیه برنامه های دولت و عملکرد و فرهنگ نظام اسلامی در جهت تضمین تحقق کامل تساوی بین زن و مرد تأکید دارد. که عضویت ایران در کنوانسیون آثار خاصی به دنبال دارد از جمله:

- تغییر در بعضی اصول قانون اساسی که بیانگر نظر اسلام در مورد زن و مرد است.
- فسخ بعضی از مواد قانون مدنی و کیفری مبتنی بر نظر اسلام و جایگزینی قوانین غربی مانند ارث، طلاق، صیانت و غیره.

دختران می توانند بدون حجاب ظاهر شوند. (قامت و صابری قمی، ۱۳۹۱: ۱۸۴)

مقدمه قانون اساسی جمهوری ایران بر این نکته تأکید ورزیده که زنان به دلیل ستم بیشتری که تا کنون در نظام طاغوتی متحمل شده اند، از استیفای حقوق بیشتری برخوردار خواهند شد. و از طرفی «زن» از حالت ابزار بودن برای اشاعه مصرف زدگی و استثمار خارج شده و ضمن باز یافتن وظیفه خطیر و پرارج مادری، در دیدگاه اسلامی از ارزش و کرامتی والاتر برخوردار خواهد شد. کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این امر مشترکند که هر دو تبعیض مبتنی بر جنسیت را بین زن و مرد نفی می کنند و در صدد تأمین حقوق مدنی و سیاسی زنان هستند. امام خمینی (ره) اشاره نمودند که در نظام اسلامی زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد: حتی تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن و حق رأی گرفتن از نظر حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست، زیرا که هر دو انسانند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مردان دارد.

هر انسانی اعم از زن و مرد باید از فرصت ها و زمینه های مناسب و کافی برای رشد و تکامل و رسیدن به کمالات وجود برخوردار باشد و جنسیت هیچ یک از زن و مرد مانعی برای رسیدن به این مطلوب والا نباشد و هر کدام که از فرصت های خود بهتر استفاده کنند به رشد و کمال بیشتری دست خواهد یافت و از دیگری برتر خواهد شد. در اسلام ملاک فضیلت و برتری تقوی و آراستگی به فضائل انسانی و اخلاقی است، نه زن یا مرد بودن، نه زن بودن به خودی خود نقص محسوب می شود و نه مرد بودن کمال. الحاق مشروط نی تواند به عنوان یک راه حل مطرح باشد مخصوصاً در زمینه های اختلافی از جمله: اختلاف دختر و پسر در سن بلوغ، ازدواج زن مسلمان با غیرمسلمان، مسأله تابعیت زنان پس از ازدواج، تابعیت فرزندان زنان ایرانی، آزادی تردد و اقامت زنان، حق طلاق، ریاست خانواده، حضانت و قیمومیت و ازدواج کودکان.

عدم عضویت ایران در کنوانسیون باعث می شود که در کمیته رفع تبعیض علیه زنان کرسی نداشته باشد و در نتیجه، ایران نخواهد توانست از کیان قوانین اسلامی و داخلی خود در قبال اعتراضات و قطعنامه های متعدد دفاع کند.



## ۱۱- نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی تبعیض علیه زنان در حقوق ایران و فرانسه با نگاهی به اسناد بین‌المللی انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که کشور ایران با الهام از موضوعات فقهی و شریعت اسلام و همچنین قوانین داخلی به وضوح قوانینی در خصوص حقوق زنان پرداخته است که با معیارهای بین‌المللی در برخی زمینه‌ها فاصله دارد. همچنین کشور فرانسه با پیروی از قانون مدنی این کشور و اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون منع هر گونه تبعیض علیه زنان، سعی نموده است تا حدودی تساوی حقوق بین زن و مرد را رعایت نماید. جمع بندی مطالب مطروحه به شرح ذیل می‌باشد:

۱. از جمله حقوق غیرمالی مهم زوج در حقوق ایران، حق تعیین مسکن است که زوجه باید در منزلی که زوج تعیین می‌کند، سکونت نماید که این مسئله مبین اتخاذ الگوی ریاستی مدیریت خانواده در ایران است. اگر چه توافق خلاف این مقرر به صورت شرط ضمن عقد پذیرفته شده است. واگذاری حق تعیین مسکن به اراده صرف زوج و نه اراده زوجین، قابل انتقاد به نظر می‌رسد. مطابق قانون مدنی فرانسه، محل اقامت خانواده جایی است که زوجین با توافق مشترک انتخاب نمایند.

۲. از دیگر حقوق غیرمالی زوج در ایران، حق منع زوجه از دریافت گذرنامه و خروج از کشور است که از آثار اعمال اقتدار زوج و اتخاذ الگوی ریاستی مدیریت خانواده می‌باشد. در همین راستا، زوجه برای خروج از کشور باید به انتظار موافقت زوج از طریق تنظیم سند در دفاتر اسناد رسمی، باشد! اما در حقوق فرانسه، این مورد به موجب قانون ۱۹۷۲ ملغا گردیده است.

۳. حق منع اشتغال زوجه از دیگر حقوق غیرمالی زوج در حقوق ایران است که از تبعات اتخاذ الگوی ریاستی زوج در مدیریت خانواده به شمار می‌رود. اگر چه برای زوجه نیز این حق به صورتی محدودتر از حق زوج و در ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ به رسمیت شناخته شده است و نشان دهنده تلاش مقنن ایران در این خصوص می‌باشد (البته اگر قائل به عدم نسخ برخی مقررات قانون حمایت خانواده فوق با قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۲ نباشیم). با توجه به سیر تقنینی در حقوق ایران و تمایل رویه قضایی به عدم منع اشتغال زوجه، اشتغال بیش از پیش زنان را در خانواده‌های ایرانی نشان می‌دهد. سیر تحول اشتغال زوجه (در سه طریق قانونی موجد زندگی مشترک) در حقوق فرانسه نیز با گذر از پیچ و خم‌های گوناگون و افتضاهای زمانه، در نهایت به شکل امروزی خود در قانون مدنی کنونی فرانسه تجلی یافته و هر گونه رادع و مانع از سر راه اشتغال زنان شوهردار برداشته شده است.

۴. امکان استفاده از نام خانوادگی زوج از سوی زوجه، در واقع امتیازی است که می‌توان به نوعی آن را به شوهر منتسب کرد. در حقوق ایران، فقط زوجه می‌تواند با موافقت همسر خود و تا زمانی که در قید زوجیت است، از نام خانوادگی شوهر خود بدون رعایت حق تقدم استفاده نماید و در صورت طلاق، ادامه استفاده از نام خانوادگی موقوف به اجازه همسر است. اما در این قانون، فرضی که زوج بخواهد از نام خانوادگی توجه خود استفاده نماید، مشخص نشده است و اگر زوج بخواهد از نام خانوادگی زوجه استفاده نماید، باید از دارند، حق تقدم اجازه بگیرد. اما مطابق مقررات قانون مدنی فرانسه، هر یک از زوجین



این اختیار را دارند که از نام خانوادگی همسر به نحو جایگزین یا متصل به نام خانوادگی خویش به عنوان نام عرفی و معمول استفاده نماید، در خصوص حق استفاده از نام خانوادگی هر یک از زوجین پس از طلاق نیز اصل بر این است که زوجین پس از طلاق، دیگر نمی‌توانند از نام خانوادگی همسر خود استفاده نمایند؛ اما این امر مطلق نیست و هر یک از زوجین با اثبات نفعی خاص برای خود یا فرزندان، می‌توانند آن را توجیه نمایند.

۵. با بررسی اجمالی قوانین دادرسی کیفری، جدای از برخی موارد تبعیض مثبت، در حقوق ایران و فرانسه خلأ وجود قواعد خاص حمایتی در فرایند دادرسی برای زنان مشهود است. اما نگرش منفی قابل ملاحظه‌ای نسبت به آنان در قوانین کشورهای مزبور، محسوس نیست و آنچه از موارد تبعیض که برخلاف حقوق فرانسه در دو باب ادله اثبات جرائم و اجرای احکام کیفری در مباحث حدود و قصاص در قوانین ایران دیده می‌شود، از طریق اعمال سیاست جنایی مدبرانه قابل رفع است. با توجه به سیر تقنین حقوق خانواده در نظام حقوقی ایران، می‌توان مشاهده کرد که قانون گذار با تشدید آثار ناشی از اقتدار زوج بر خانواده، برخلاف رویه حقوقی کشورهای اروپایی و به طور خاص کشور فرانسه، نه فقط تمایل چندانی به الگوی مدیریت مشارکتی در اداره خانواده نداشته، بلکه به پیروی از برداشت‌های رایج از برخی متون اسلامی در راستای تحکیم الگوی ریاستی مدیریت خانواده گام برداشته است.

## ۱۲- پیشنهادها

وجود قوانین تبعیض آمیز در میان قوانین داخلی ما امری مسلم است. مواردی هم در شریعت اسلامی در دفاع از حقوق زنان وجود دارد که هنوز در متون قانونی ما منعکس نشده است و نتیجه آن که، الحاق به کنوانسیون باعث می‌شود ضمن قرار گرفتن مسائل زنان و مشکلات حقوقی آنها در رأس دغدغه‌های دولت، از فرصت به دست آمده برای رفع مشکلات قانونی استفاده نماییم. بنابراین، رفع مشکلات حقوقی و اصلاح و بازنگری قوانین داخلی در یک حرکت مداوم، از آثار مثبت الحاق به کنوانسیون است. نمی‌توان انکار کرد که نگاه فرودست به زنان به نوعی در وضع قوانین ما اثر گذاشته است. این مسئله حتی اگر باعث وضع قانون مغایر حقوق زنان نشده باشد، در عدم صراحت و بذل عنایت خاص به مسائل زنان در قانون تأثیر داشته است.

به منظور درک بهتر تحولات مفهوم خانواده و به خصوص تحول نقش زنان در جامعه ایران، بهتر است از دو نگاه «احساس گرایانه» و «سیاست زدگی» اجتناب گردد. یکی از علل مهم اقتدار زوج و اقتدار پدر در ساختار و انگاره خانواده ایرانی، وجود بعضی از مقررات مردسالارانه در حوزه خانواده است.

پیشنهادهای زیر می‌تواند عدم تساوی حقوق زن و مرد را در جایگاه نوین خانواده تعدیل نماید:



۱. در راستای تغییر الگوی مطلق ریاستی زوج در روابط زوجین (ماده ۱۱۰۵ ق.م) به اتخاذ الگوی مشارکتی مدیریت خانواده، تغییر نحوه بیان این ماده و بازنگری در آن، پیشنهاد می‌گردد. بهتر است متن ماده فوق به این صورت تغییر یابد: «در روابط زوجین، مدیریت خانواده به صورت اشتراکی با زوجین است. زوجین به صورت مشترک، مسئولیت هدایت و مدیریت خانواده را به عهده دارند».

۲. به منظور اعتبار بخشیدن به اصالت آزادی اراده هر یک از زوجین و اصل استقلال و برابری هر یک از ایشان در تصمیم‌گیری و اتخاذ الگوی مشارکتی مدیریت خانواده در تعیین محل سکونت خانواده، پیشنهاد می‌گردد متن مواد ۱۰۰۵ و ۱۱۱۴ قانون مدنی کنونی به شرح زیر اصلاح شوند:

الف) ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی: «اقامتگاه مشترک زوجین با توافق آنها تعیین می‌شود، در صورتی که به اصول زندگی مشترک خللی وارد نگردد، اقامتگاه هر یک از ایشان، می‌تواند مستقل باشد».

ب) ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی: «محل سکونت خانواده، به مکانی اطلاق می‌گردد که زوجین با توافق مشترک آن را انتخاب می‌نمایند».

۳. سزاوار است که بند ۳ ماده ۱۸ قانون گذرنامه اصلاحی سال ۱۳۸۰، با این عبارت جایگزین گردد: «زوج به موجب قانون، حق منع زوجه از دریافت گذرنامه و همچنین خروج از کشور وی را نخواهد داشت».

۴. مدیریت زنان در سطوح کلان کشور (وزارت، مدیریت کل و...) با مدنظر قرار دادن اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شود. برداشت‌های حقوقی مغایر در این خصوص، قابل نقد و تأمل است.

۵. ماده ۴۲ قانون ثبت احوال ۱۳۵۵ به منظور فراهم ساختن زمینه امکان استفاده زوجین از نام خانوادگی یکدیگر به این شرح: «هر یک از زوجین، این اختیار را دارد که از نام خانوادگی همسر خود، به نحو جایگزین یا متصل به نام خانوادگی خویش، به عنوان نام خانوادگی عرفی و معمول استفاده نماید» تغییر یابد.

۶. پرداختن به موضوعاتی نظیر: دسترسی زنان به منابع اقتصادی، آموزش با هدف از میان بردن تعصبات و بهبود ارتباطات در راستای ایجاد روابط متقابل محترمانه میان زن و مرد، آگاه‌سازی و آموزش جهت افزایش احترام متقابل در اجتماعی، بسیج افکار عمومی برای از بین بردن باورهای منفی نسبت به زنان، تقسیم وظایف در رسیدگی به فرزندان و افراد خانواده، بازبینی قوانین ملی برای مناسب‌سازی سن ازدواج دختران، تأمین امنیت دختران در رفت و آمد به مدرسه، در دسترس بودن برنامه‌ها، خدمات باز پروری، خدمات بهداشتی، توجه به پیامدهای درمانی و بهداشتی ایدز و... همچنین لازم است دانشمندان، علمای اسلامی و مسئولین سیاست خارجی این دولت‌ها جهت تبیین و تفهیم نگرش‌های خاص و حمایتی اسلام از حقوق زن و خانواده همت بگمارند و از طرفی با مشارکت مؤثر و فعال در اجلاس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در درج مفاهیم منطبق با اسلام و یا



حداقل غیرمتعارض تلاش کنند و این در کنار وظیفه‌ی ساختار سازی‌های غیردولتی (NGO) و یا تحقق مکانیسم اجرایی برای اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر اسلامی (قاهره) می‌باشد.

۷. در زمینه‌ی حفظ حقوق فردی و اجتماعی، هنوز هم رفتارهایی در برخی از نقاط ایران با تاسی از افکار عصر جاهلیت، اعم از ختنه‌ی زنان یا مجبوس کردن زنان در منزل، دیده می‌شود که لازم است با آموزش، آگاهی بخشی و وضع قوانین مناسب اصلاح شود.

۸. همچنین امکان درج نام مادر بر روی کارت ملی فرزندان، یکی از تلاش‌های اخیر کارشناسان حوزه‌ی زنان و خانواده است که تاکنون هیچ نتیجه‌ی عملی در بر نداشته است و لازم است به منظور تکریم زنان جامعه، اقدامات عملی موثری در این زمینه برداشته شود.

با توجه به موارد فوق، به نظر می‌رسد چنانچه قانون گذار ایران در صدد تغییر الگوی مطلق ریاستی مدیریت خانواده به سمت الگوی اشتراکی بر نیاید، ممکن است در آینده‌ای نه چندان دور، شاهد تزلزل نهاد خانواده باشیم. در این صورت، برای فرار از تعهدات ازدواج، علاقه و تمایل به تشکیل خانواده از طریق نکاح دائم کاهش جدی پیدا خواهد کرد و شیوه‌هایی مانند روابط آزاد، روابط هم خانگی و پیدایش مجردان متأهل، به تدریج به مثابه رقیبی در مقابل نکاح دائم مطرح خواهند گردید. عدم اقدام به تغییر مقررات، با وجود تحولات روز جامعه ایرانی، قابلیت توجیه چندانی ندارد و ضرورت بازنگری در الگوی مطلق ریاستی زوج در حوزه مدیریت خانواده به وضوح احساس می‌گردد.





### منابع فارسی:

- انصاری، مرتضی، (۱۳۹۶ ق)، المكاسب، جلد ۶، نجف: منشورات جامعه النجف الدینیہ، دار الکتب.
- آشوری، داریوش، (۱۳۸۳)، دانشنامه سیاسی، نشر مروارید، تهران.
- خمینی، سیدروح الله، (۱۳۹۲)، صحیفه نور، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صفایی، سید حسین، امامی، اسدالله، (۱۳۹۲)، مختصر حقوق خانواده، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ سی و پنجم.
- صفایی، سید حسین و مرتضی قاسم زاده، حقوق مدنی، اشخاص و محجورین، تهران: سمت، چاپ پانزدهم، ویرایش چهارم، ۱۳۸۸.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۸)، دوره حقوق مدنی خانواده، جلد ۱ (نکاح و طلاق، روابط زن و شوهر)، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۴)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ویرایش چهارم، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ چهل و چهارم.
- پلویی، رقیه (۱۳۸۴)، مطالعه تطبیقی حقوق زن در مسائل خانوادگی بین قوانین ایران و فرانسه، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- دادنامه شماره: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۱۰۱۱۰۴، مورخ: ۱۳۹۳/۷/۶، شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۵۵۸ اداره حقوقی قوه قضاییه، مورخ ۱۳۷۶/۷/۲.

### منابع لاتین:

- Adopted on 21 November 2007 at the 1011th meeting of the Ministers' Deputies, Available at <https://wcd.coe.int/ViewDoc.jsp?id=1215219&Site=CM>.
- Charles Beitz, (2009). *The Idea of Human Rights*. Oxford University Press.
- ECOSOC Resolution establishing the Commission on the Status of Women. E/RES/2/11, 21 June 1946.
- Final report of activities of the group of specialists on Positive Action in the field of equality between women and men', Strasbourg, 2000 (EGS-PA 2000).
- Freeman, M. A., Chinkin, C., & Rudolf, B. (Eds.). (2012). *The UN convention on the elimination of all forms of discrimination against women: A commentary*. OUP Oxford.
- Hadar Harris. (2005). Current processes for Assessment of womens Human Rights in International law.
- Hopkins, P. D. (2002). Martha C. Nussbaum, Sex and Social Justice. New York, Oxford University Press, 1999. *Hypatia*, 17(2), 171-173.
- Human for Work 'Report 2015 Development Human (.2015) UNDP A.S.U 'NewYork ' Development.
- Human Rights Council resolution 5/1 of 18 June 2007



- Laufer, J. (2018). Professional equality between men and women in France: progress and hesitation. *French Politics*, 16(3), 254-274.
- Maddex, R. L. (2000). *International encyclopedia of human rights: freedoms, abuses, and remedies*. CQ Press.
- Meghan Clarke, 'Sexual violence against women during armed conflict: An analysis of international law', in *University of British Columbia International Law Journal*, Vol. 1, No. 1, 2008, p. 2.
- Nussbaum, M. C. (1999). *Sex and social justice*. Oxford University Press.
- Partsch, K. J. (1982). Fundamental principles of human rights: self-determination, equality and non-discrimination. *The International Dimensions of Human Rights*, 1, 76.
- Rec (2007)17 of the Committee of Ministers of the Council of Europe,
- Report of the Fourth World Conference on Women, Beijing, 4–15 September 1995 (United Nations publication, Sales No. E.96.IV.13), chap. I, resolution 1, annexes I and II. Resolution S-23/2, annex, and resolution S-23/3, annex.
- Simmons, W. P. (2005). Remedies for the Women of Ciudad Juarez through the Inter-American Court of Human Rights. *Nw. Univ. J. Int'l Hum. Rts*, 4, 493.
- The Declaration for the Elimination of Violence against Women was adopted by the General Assembly on 20 December 1993.
- U.N. Office of the High Commissioner for Human Rights. "Fact Sheet No. 22, Discrimination against Women: The Convention and the Committee." United Nations. Retrieved October 18, 2012.
- UN Doc CEDAW/SP/1995/2.
- UN Doc. HRI/GEN/2/Rev.1/Add.2, paragraphs G.1 and G.2.
- UN General Assembly Resolution 217A (III) of 10 December 1948
- UNFPA (February 2006). "Gender Equality: An End in Itself and a Cornerstone of Development". United Nations Population Fund. Retrieved 2008-06-01.
- UNICEF. "Promoting Gender Equality: An Equity-based Approach to Programming". UNICEF. Retrieved 2011-01-28.